

ایا صغر فیا

بنای عظیم و رفیعی که بنام **ایا صوفیا** معروف آفاق است . در تاریخ صنایع ظریفه جهان ، و هنر معماری بنی نوع انسان شأنی بسیار دارد . این گنبد و شادروان که در ساحل غربی بسفر جای گرفته همواره نظاره گاه مردم شرق و غرب و مورد اعجاب و تحسین و تحقیق و مطالعه دانشمندان عالم است .

مردم این سر زمین چه در اعصار باستانی بیزانطیه ، و چه در قرون معاصر باین اعجوبه صنعت که مایه عزت شهر شهیر ایشان است مباحثات ها کرده اند - ایوانهای رفیع ، مناره های بلند ، ستونهای ظریف ، و درها و لوحه ها و محراب ها و صور و تمائیل و خطوط ، که بیکر آنرا ترتیب کرده اند بسالها تماشا گاه خلایق بوده و در زیر گنبد بلند آن هزاران اهل دل و صاحبان ذوق و معتقدان دین به مراقبه و تفکر و راز و نیاز پرتاخته اند . هر گوشه آن آیتی آشکار از تحول روزگار و هر ضلع آن نشانی روشن از گردش زمانه است .

گویا مشیت ازلی بوده است که این قطعه از کوره خاک دیر زمانی بسته ، و روز کاری کلیسا ، و سالیانی مسجد باشد تا این ایام که سرانجام بصورت موزه و متحف در آمده است . و همیشه مقصد زائران و مطاف صاحب دلان است که جمعی کثیر با دل های پر از شور ایمان ، و گروهی انبوه با سرهای پر از شرار ذوق احرام حریم آن بسته اند .

نویسنده این سطور را در شهریور ماه ۱۳۳۰ بر آن آستان گذر افتاد ، ساعاتی چند در آن جا بسر برد ، و بر در و دیوار آن بدیده عبرت نکریست ، از نقش و نگار آن درس های عبرت گرفت . ادوار گوناگون تاریخ و حوادثی که در طی مدت پانزده قرن بر آن گذشته در صحیفه خاطر نمایان گشت . افکاری چند در دل نژند پدید آمد ، آن اندیشه های پربشان را در قالب سخنانی نارسا و کلماتی ناسره بنظم آورد که پارسی زبانان را ارمغانی بس ناچیز و اهل هوش را هدیه ای بس محقر باشد .



ایا صوفیا

۱- پیام

از دل سترد چرخ ، غم ننگ و فام را

تاسوی دیر برد ز مسجد زمام را .

افروخت آتشی به تن ما شرار عشق

خاکستری نماند دل نیم خام را .

از ری بصبیحگاه چو طیاره پر کشود

در روم گشت جایگزین وقت شام را .

از بحر روم^(۱) طرفه نسیمی بما وزید

خوشبوی کرد ساحل بسفور^(۲) مشام را .

بر طرف طولمه باغچه^(۳) تا تن مقیم شد

بس نغمه ها که جان بسرود آن مقام را .

ای ییک صبحدم چو رسی بر دیار یار

از ما رسان بحضرت او این پیام را :

جام صفا بیا ز ایاصوفیا بنوش

« صوفی بیا که آینه صاف است جام را »^(۴)

(۱) بحر روم یا بحر متوسط - Méditerranée - دریای معروف که در وسط سه اقلیم : اروپا (شمال)

افریقا (جنوب) و آسیا (مشرق) قرار دارد - دریا های مرمره و سیاه از متفرعات آن اند .

(۲) بسفور Bosphore - تنگه معروفی است که دریای مرمره را به دریای سیاه متصل میسازد و شهر

قسطنطنیه (استانبول) در ساحل غربی آن قرار دارد .

(۳) طولمه باغچه - از قصور عالی سلاطین عثمانی است که در ساحل اروپائی بسفور بنا شده - و ایشان

در این اواخر آنرا بتکلف تمام ساخته و پرداخته اند ، و از ابنیه ظریفه و پارک های زیبای آن شهر

است ، و معنی کلمه « باغ انباشته از گل و گیاه » میباشد .

(۴) صوفی بیا ... مصراع اول از مطلع غزل معروف خواجه حافظ است که در اینجا بمناسبت مقام

تضمین شده . « صوفی بیا که آینه صاف است جام را تا بتگری صفای می لعل فام را »

II . بتکده

روزی که در بشر خبر از خیر و شر نبود ،
 اندیشه ز محشر ، اندر بشر نبود .
 باطل رواج و کفر روان ، شرک آشکار ،
 وز دین حق بعرضه عالم اثر نبود !
 در نزد رومیان همه دانش و هنر
 جز کیش بت پرستی ، کیش دگر نبود .
 آئین آپولون (۱) ، بُد و ایمان ژوپیتر (۲)
 کس را مگر ز دعوت بولس (۳) خبر نبود .
 بر جای سنت صوفیه (۴) بر نام افروdit (۵)
 معبد سه چار بود و یکی راهبر نبود .
 روزی سیاه بُد که ز پند ییمبران
 روشن جهان چو چشمه تابان خور نبود !
 چون گشت قرّ ایزدی از خاور آشکار
 بازی سخن ز اهرمن باختنر نبود !!

(۱) آپولون Apollon - یکی از ارباب انواع یونانیان و رومیان است . او را آلهه طب و شعر و هنر و اغنام و روز و شب و آفتاب میدانسته اند . فرزند ژوپیتر ، و دارای اساطیر و افسانه های بسیار است .

(۲) ژوپیتر Jupiter - پدر خدایان و رب الارباب ، در اساطیر یونانیان و رومیان صاحب افسانه ها و روایات بسیار است .

(۳) بولس یاسن یال . Saint Paul ملقب به رسول ، پیشوای دعوت مسیح در قرن اول میلادی . در شهر طرسوس متولد شد و در سال ۶۷ م . در رُم بقتل رسید . او را از بزرگترین مؤسسن اولیه کلیسای غربی میشمارند .

(۴) سنت صوفیه Sainte Sophie - به یونانی « ایاصوفیا » نام کلیسای معروف بیزانطیه که بنام « قدیسه صوفیا » یعنی « حکمت مقدس » و یا بیاد « سنت صوفیه » که از شهدای عالم مسیحی است بنا شده و از سال های ۵۵۸ تا ۳۳۰ م ساختمان آن انجام گرفته است .

(۵) افروdit Aphrodite - نامی است که رومیان به الهه جمال نهاده اند که به یونانی ونوس نام دارد و در باره آن اساطیر فراوان است . حفریات اخیر ثابت کرده که در مکان فعلی ایاصوفیا قبل از امپراطوری روم شرقی در ازمته قدیم سه معبد بنام افروdit و ایللون و آرتیمز وجود داشته که رومیان و یونانیان آن خدایان را پرستش میکردند .

چون شاه روم بر در بیزانس (۱) پا گذاشت،
 همت ز ملکِ غربِ سوی شرق بر گماشت.
 اندر کنار تنگهٔ بسفر بنام شاه (۲)
 قسطنطنیه (۳) رایت اقبال بر فراشت.
 در جستجوی بارِ حقیقت زباغِ عمر
 قیصر نهال دینِ مسیحا بدل بگاشت.
 دیری پر از نگار، مر از مرمر سفید
 اندر کنار مرمره (۴) جوستینیان (۵) نگاشت.
 بس سنگ ها که خواست ز اطراف شام و روم (۶)
 بس رنج ها که بُرد بهنگام شام و چاشت.
 بر یاد حکمت ازلی در حریمِ قدس (۷)
 بر آن کنیسه (۸) نام «ایاصوفیا» گذاشت.

- (۱) بیزانس Byzance - نام شهری است یونانی که در ساحل بوسفر قرار داشته و بعد از کنستانتین کبیر پایتخت امپراطوری روم شرقی شد و آنرا بر فراز هفت تل که اکنون محل استانبول است در حدود ۶۷۵ ق. م. بنا نهاده بودند.
- (۲) بنام شاه - پس از آنکه در اوایل قرن چهارم میلادی کنستانتین کبیر پایتخت خود را در بیزانس مقرر فرمود آن شهر بنام وی Constantinople نامیده گردید.
- (۳) القسطنطنیه - مرعب کنستانتینوبل میباشد و در قرون وسطای تاریخ اسلام نزد جغرافیون عرب باین نام مشهور است.
- (۴) مرمره - دریای کوچکی است از شعب فرعی بحر روم که با آن از تنگهٔ داردانل و با دریای سیاه از تنگهٔ بسفر متصل است.
- (۵) جوستینیان اول - از امپراطوران بنام روم شرقی که از ۵۲۷ تا ۵۶۵ سلطنت کرده و جنگهای بسیار با واندالها در غرب و با ایرانیان در شرق دارد. از قیصر های مؤسس و مقنن و بانی کلیسای ایاصوفیای کنونی است.
- (۶) بس سنگها ... در تاریخ نوشته اند که جوستینیان برای بنای کلیسای ایاصوفیا سنگهای گرانها و احجار ظریف از اکناف کشور خود طلب فرمود و حکام اواز ایتالیا و مصر و شام و یونان ستونها و سنگهای بسیار به قسطنطنیه فرستادند.
- (۷) بر یاد حکمت ازلی - ایاصوفیا مرکب است از دو کلمه یونانی (ایا) ، یعنی - قدوس - و (سوفیا) یعنی حکمت - و گویند چون قیصر جوستینیان آن کلیسارا بساخت بر حسب عقیدهٔ ارتودوکسی که خدا را کلمه و کلمه را حکمت میدانند آن را بنام درگاه حکمت قدوسی Sainte-Sagesse نهاده. «ایاصوفیا» نامید.
- (۸) کنیسه - بر معبد نصاری و یهود هر دو استعمال میشود، جمع کنائس.

پنداشت آن بنا را باقی بروز کار
ای غافل آنکه چشم بقا از زمانه داشت!

IV . مسجد

دور سپهر چون سپه رومیان شکست ،
بنیان قصر قیصر از آن داستان شکست .
سلطان ترك (۱) سوی ایاصوفیا شتافت
بانگ نماز داد و صف کافران شکست .
اسلامبول (۲) گرفت بفتح محمدی (۳)
رایات عیسوی را ، بر آستان شکست !
تا شد عیان ز کنید ، مشکاة نور حق (۴)
شمع مسیح بر ز بر شمعدان شکست !
نقش صلیب از در و دیوار محو ساخت (۵)
آوای ارغنون (۶) بر بانگ اذان (۷) شکست !

(۱) سلطان ترك - محمد دوم ملقب به « فاتح » هفتمین سلطان عثمانی که از ۱۴۵۱ تا ۱۴۸۱ در اناتولی و بالکان سلطنت میکرد ، متولد بسال ۸۳۲ هـ / ۱۴۲۹ م . شهر قسطنطنیه را از دست آخرین امپراطوران مسیحی بگرفت ، و این فتح در ۲۹ ماه مه ۱۴۵۳ واقع شد . گویند در روز فتح پیاده به ایاصوفیا رفت و مؤذنین را امر فرمود که اذان گفتند و نماز شکرانه در دهلیز کلیسا بسوی قبله اسلام بجای آورد . و در همانجا محرابی بیادگار ساخته اند ، و از آن تاریخ ایاصوفیا بصورت مسجد درآمد .
(۲) اسلامبول - نامی است که عثمانیان از اواخر قرن هجدهم بشهر استانبول نهادند و همان نام را بر سکه ضرب کردند و مرکب است از دو کلمه « اسلام » و « بول » بترکی یعنی - اسلام فراوان .

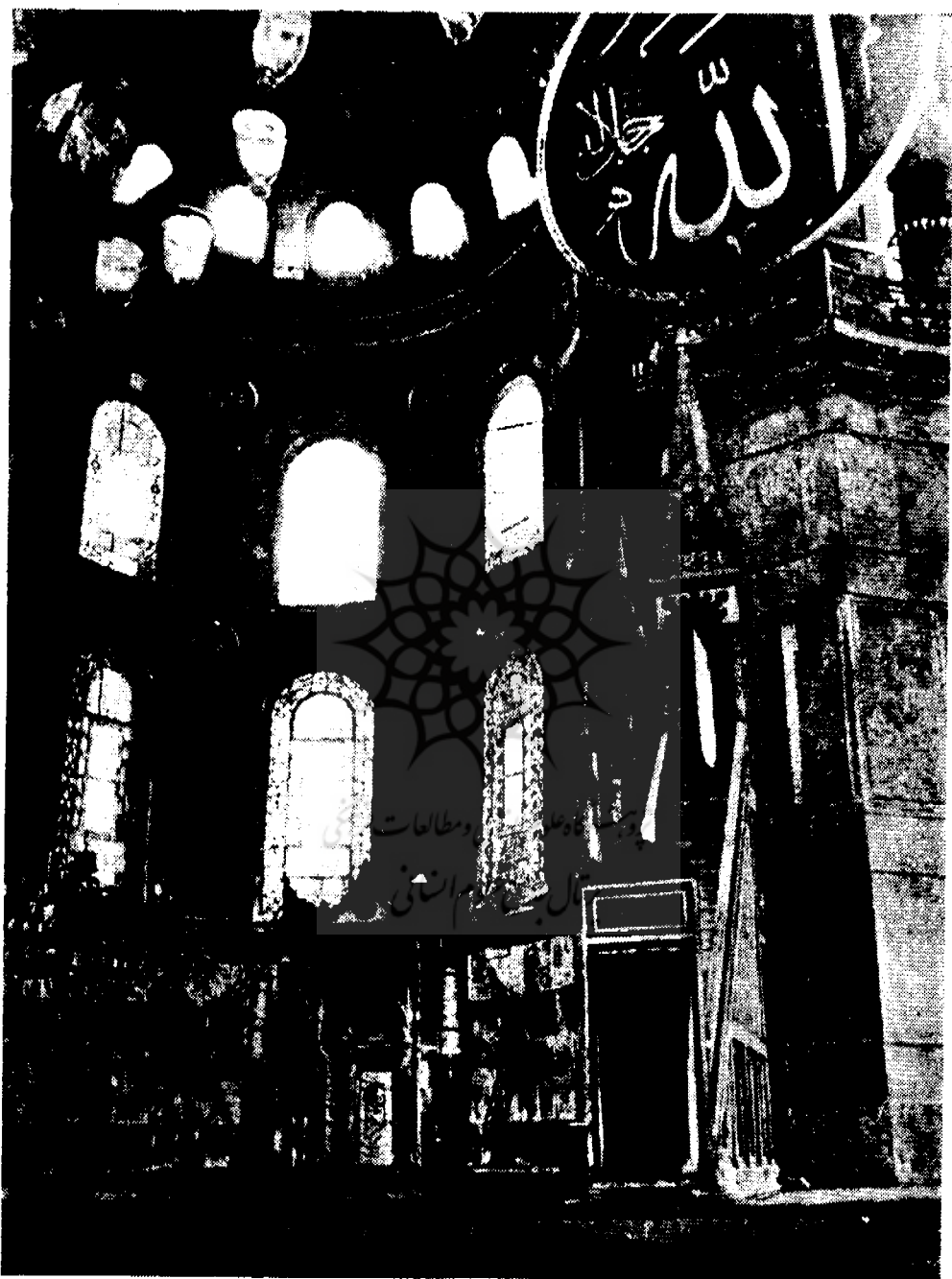
(۳) فتح محمدی - ابهام است بنام نبی (ص) و نام سلطان فاتح .

(۴) مشکاة نور حق - در دائره وسط گنبد رفیع ایاصوفیا . آیه مبارکه نور - مثل نوره کمشکوة .. بخط ثلث بسیار زیبا و نمایان کتیبه شده که هنوز برقرار و محل اعجاب نظارگان است .

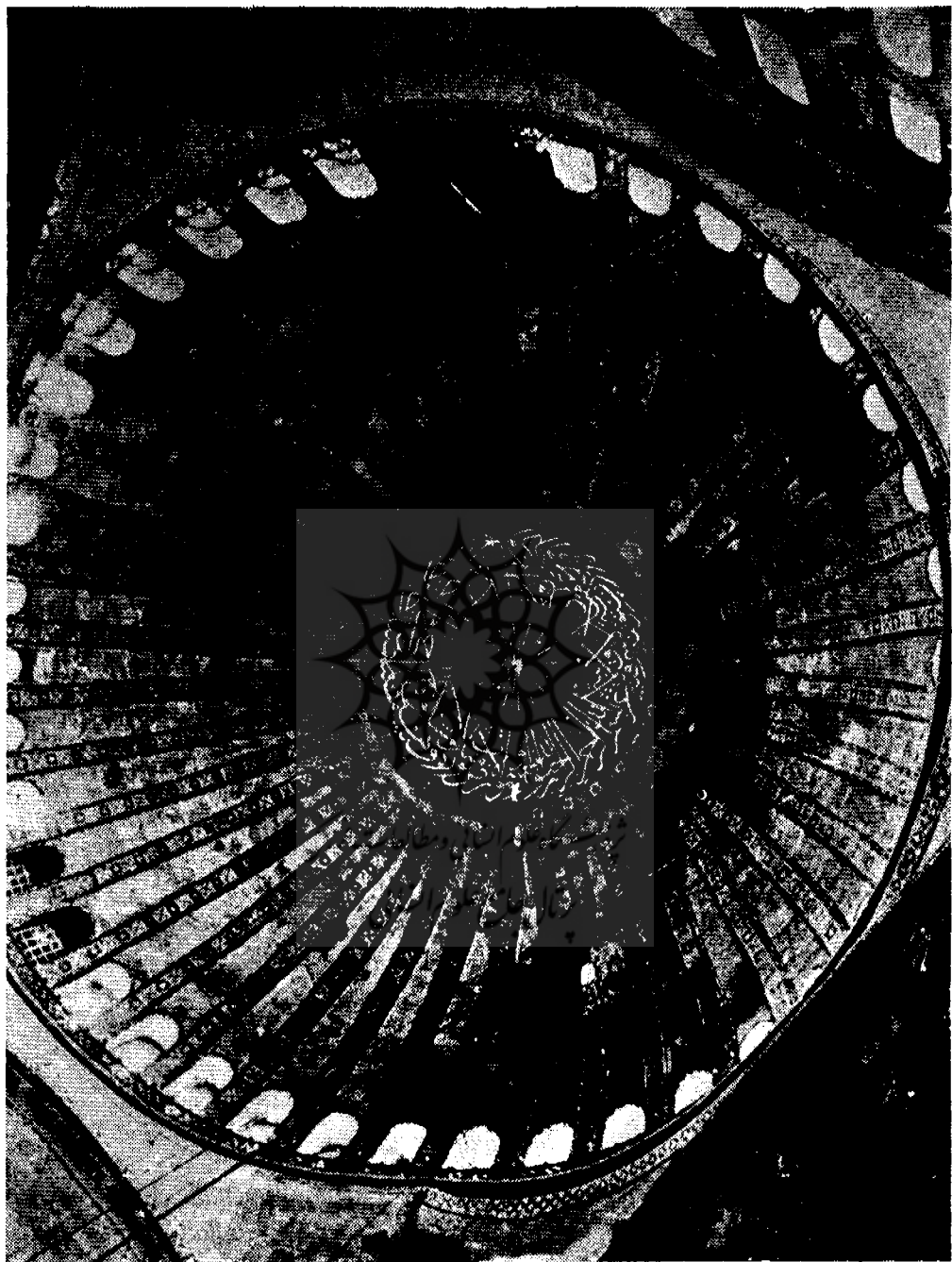
(۵) نقش صلیب - پس از فتح استانبول بر حسب امر سلاطین آل عثمان نقش صلیب را که بر روی سنگ ایوانها و ازاره ها نقش کرده بودند محو ساختند که هنوز اثر آن جایجا دیده میشود ، و نیز صور و نقوش موزائیک را که در دوره مسیحیت رسم نموده بودند با گچ مستور کردند .

(۶) ارغنون - معرب - ارگک - که به لاتین Organum گویند از آلات معروف موسیقی است که در کلیساها در موقع انجام مراسم مذهبی مینوازند .

(۷) بانگ اذان - کلمه اسلام و مقدمه نماز - از آن تاریخ که در ایاصوفیا اذان گفتند نواختن ارگ موقوف شد .



حباب مسجد ایاصوفیا



سقف گنبد مسجد ایاصوفیا

محراب کج نهاد که قبله کنند راست (۱)
 زین کجروی درُست دل راستان شکست!
 از - اینما توّلوا (۲) - گویا نکرد یاد
 آن فاتحی که طاق کلیسا چنان شکست .

۷ موزه

تا سایه برگرفت از آن آستان همای ،
 شد بسته باب عالی و دروازه سرای (۳) !
 سلطان (۴) بینوا را از دست رفت کار ،
 دولت سر آمد آخر و پرچم بشد ز پای !
 شاخی جوان برست مگر از بُن کهن -
 چون اصل شد اصیل ، بود فرع جانفزای .
 بر زادگان ترك - آتاتورك (۵) شد پدر
 فرزند سر بلند و پدر شد بلند رای .
 بر تافت روی خاطر از آداب شرفیان ،
 شد قوم ترك را بسوی غرب رهنمای .

(۱) محراب کج نهاد - گویند که وجه کلسای ایاصوفیا بطرف قدس (اورشلیم) بوده است . چون سلاطین مسلمان ترك محراب مسجدرا بطرف کعبه ساختند بالطبع درمرکز بنا واقع نشده و بضع شرقی متمایل است که وجه آن بسوی جنوب میباشد .

(۲) اینماتولوا - اشاره بآیه شریفه - « والله المشرق والمغرب اینماتولوا قتم وجه الله » البقره - ۱۲۵ .
 (۳) آستان - آستانه علیه - لقبی است که بدربار سلاطین آل عثمان داده اند ، و باب عالی - دفتر مرکزی حکومت عثمانیه ، شامل بردفتر صدر اعظم و وزیر خارجه و شورای سلطنتی بوده که در نزدیکی ایاصوفیا واقع ، و اکنون مقر حکمران شهر استانبول است . کلمه - سرای - فارسی را به قصور سلطنتی ترك میگفته اند و بزرگترین قصر « طوب کاپوسرای » یعنی « قصر باب المدفع » که سلطان محمد فاتح بنا نهاد در جنب ایاصوفیا موجود است .

(۴) سلطان بینوا - آخرین سلطان عثمانی که در زمان او سلطنت آن خاندان منقرض شد و رسم خلافت بر افتاد . عبدالمجید دوم فرزند عبدالعزیزخان در سال ۱۹۲۲ م . بسطنت نشست و در سال ۱۹۲۴ خلع شد و دولت جمهوری ترکیه برقرار گردید .

(۵) اتاتورک - مصطفی کمال ملقب به - اتاتورک - یعنی پدر ترك پیدشوی نهضت جدید ترکیه ، مؤسس جمهوریت و اولین رئیس جمهور آن کشور ، در اکتوبر ۱۹۳۸ در طولمه باغچه وفات یافت .

استنبیل (۱) آنچنان پی رسم فرنگک رفت
کش ماند موزه (۲) زایا صوفیا بجای!
مسدود کرد معبد حق را بروی خلق
حاجب به بست در ، که به پروانه اندر آی!

۷۱ - روزگار

بنشست دردها بدل از جور روزگار!
برخیز ساقیا زکرم داروئی بیار .
بگرفت دل ز ساحل قرن الذهب (۳) بیار
ای باد ، بوئی از بر آن سیم تن نگار .
بنگر بداستان ایا صوفیا دمی
ای دیده بصیر از آن گیر اعتبار (۴)
برخوان بسی روایت از قیصرو (۵) سزار (۶) !
بشنو بسی حکایت از خان (۷) و خوندگار (۸)

(۱) استنبیل یا اصطنبیل - تلفظ ترکی - کنستان تینوبیل - است و این اسم در آثار جغرافیائی و ادبی مسلمانان از قرن ششم آمده . رجوع شود به یاقوت - و قاموس و رحله ابن بطوطه - و حتی مسعودی در قرن چهارم این شهر را « استانبولن » ضبط کرده است ، و در اینترمان نیز آنرا هم چنان استانبول Stanbül گویند .

(۲) موزه - محل مجموعه آثار صنعتی یا تاریخی را گویند ، و اصل آن از کلمه یونانی Mousèion آمده (یعنی معبد موزها) - بعد از استقرار حکومت جمهوری جدید ترکیه ایاصوفیا را جزو موزه های ملی قرار داده اند که ورود بآن در برابر پرداخت وجه و گرفتن بلیط است .

(۳) قرن الذهب - Corne d'or نام خلیجی است از متفرعات بسفر که شهر استانبول را بدو قسمت تقریباً شمالی و جنوبی منقسم ساخته است .

(۴) ای دیده بصیر - اشاره بآیه شریفه ، « یخربون بیوتهم بایدیدهم و ایسدی المؤمنین فاعتبروا یا اولی الابصار .

(۵) قیصر - معرب César ابتدا لقب امپراطوران روم از خاندان ژول سزار بوده که بعدها به مطبق سلاطین روم استعمال شده است - جمع قیصره .

از آن زمان که قیصر ، آن دیر بر فراشت
 بشمار سالها که بود پانصد و هزار (۱) !
 پانصد هزار سال دگر گزر گذر کنی
 آنجا ، اثر نبینی زان دیر و ز آن دیار !!!
 در روز گار بین و مبین جز ره نیاز ،
 « بگذر ز کبر و ناز که دیده است روز گار (۲) »

استانبول - شهریور ۱۳۳۰
 علی اصغر حکمت



حواشی صفحه قبل :

- (۶) سزار - لقب ژولیوس Jules که در رومیة الکبری از درجه سربازی به مقام سلطنت نشست و در قرن اول مسیحی با کمال اقتدار بر مملکت روم پادشاهی کرد ، و نام سزار از آن به بعد به قیصره روم اطلاق شد .
- (۷) خان - لقب سلطنت که پادشاهان ترک در آسیای مرکزی که بعدها پادشاهان عثمانی پس از اسم خود میآوردند - گویند از ریشه چینی **Khang** یا **Ung** بمعنی شاه گرفته شده - وقتی که سلاطین عثمانی لقب پاشا (مخفف پادشاه) را به سرداران خود عطا میکردند شاهان صفوی نیز در برابر ، لقب خان را به امراء خود دادند و این عنوان تا سال ۱۳۰۴ شمسی در ایران متداول و روان بود .
- (۸) خوندگار - یا خونگار مخفف « خداوندگار » لقبی است که به بعضی از سلاطین آل عثمان مخصوصاً سلطان مرادخان اول میداده اند .

(۱) پانصد و هزار - تاریخ بنای ایاصوفیا در آغاز بدست کنستانتین کبیر در سال ۴۳۷ م و اتمام قطعی آن بصورت کنونی بدست جوستینیان بسال ۵۵۸ م . است که تا این زمان که سال ۱۹۵۱ م میباشد در حدود ۱۵۰۰ سال میگذرد .

(۲) بگذر ز کبر و ناز . . . - این مصراع از خواجه حافظ است که به تضمین آمده - :

« بگذر ز کبر و ناز که دیده است روزگار چنین قبابی قیصر و طرف کلاه کی »